

Archaeological Study of SefidKuh Makran Area with the Approach of Ethnoarcheological


Hossein Vahedi^{1*}, Sajjad Samiei², Armin Sheikhi³

1. Master Student, Department of Archeology, Faculty of Literature and Humanities, Shahrekord University, Shahrkord, Iran
2. Master of Archeology, Freelance Researcher, Tehran, Iran
3. PhD Student in Archeology, Faculty of Literature and Humanities, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Article Info

Original Article

Received: 05 Jan 2019;
Accepted: 13 March. 2019;
Published Online 2019/05/09

 10.30699/arch.3.3.74

Use your device to scan
and read the article online



Corresponding Author

Hossein Vahedi

Master of Archeology student,
prehistoric orientation of
Shahrekord University,
Faculty of Literature and
Humanities, Shahrkord, Iran

Email:

hossein.vahedi20@gmail.com

ABSTRACT

Today, Ethnoarcheological studies are one of the main pillars of archaeological research and are of great importance. Ethnoarcheological, by using mechanisms It begins to compare and analogy static archaeological findings with dynamic anthropological findings, expands them, relates to each other, as well as environmental conditions, and helps to study this process in order to better understand human societies in the past. Southeastern Iran has been one of the important areas in cultural interactions with the Indus Valley, Mesopotamia, the Iranian plateau and the southern coast of Iran; this region is known as Little India due to its humid and tropical climate, impassable mountains and dry deserts. The present study was conducted in SefidKuh area located in Nikshahr city, Bent district of Sistan and Baluchestan province. This area is home to communities with a semi-sedentary settlement pattern in the form of scattered and cohesive villages with a specific location pattern along rivers or intermountain plains that follow the pattern of circular, oval, cohesive and rectangular architecture in a limited way. The livelihood pattern of these communities is very broad and is based on agriculture, horticulture, livestock, hunting, food gathering, trade and labor, and they follow unique cultural and economic patterns and political and social relations similar to prehistoric times. Two separate and, of course, related objectives were considered in this study; in the first stage, the project of surveying and identifying the ancient sites of the region was carried out, and in the second stage, the anthropological study of the current living communities was considered. In this study, the continuity of the settlement patterns of the studied communities and also the identification and registration of all biological and cultural patterns of living settlements in Sefidkuh of Makran area (Balochistan) were examined. Finally, using the approaches of the thnoarcheological, the similarity and difference between the communities in question and prehistoric communities (exclusively, Epipaleolithic, Neolithic, Chalcolithic) was measured, which ultimately led to a better awareness of the region's ancient and special cultures.

Keywords: Archaeological Survey, Ethnoarchaeological, Balochistan, Sefidkuh, Pre-Historic Communities

Copyright © 2020. This open-access journal is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms.

How to Cite This Article:

Vahedi H, Samiei S, Sheikhi A. Archaeological study of SefidKuh Makran area with the approach of Ethnoarcheological. Archeology. 2019; 3 (3) :74-91



بررسی باستان‌شناختی منطقه سفیدکوه مکران با رویکرد قوم‌باستان‌شناسی

حسین واحدی^{۱*}، سجاد سمیعی^۲، آرمین شیخی^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران
۲. کارشناس ارشد باستان‌شناسی، پژوهشگر آزاد، تهران، ایران
۳. دانشجوی دکتری، گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

خلاصه

اطلاعات مقاله

مطالعات قوم‌باستان‌شناسی امروزه یکی از ارکان اصلی پژوهش‌های باستان‌شناسی است و اهمیت زیادی دارد. قوم‌باستان‌شناسی با به‌کارگیری روندهایی شروع به تطبیق و مقایسه یافته‌های ایستای باستان‌شناسی و یافته‌های پویای مردم‌شناسی، بسط و ربط دادن آنها باهم و شرایط محیطی می‌کند و از مطالعه این فرایند به‌منظور شناخت هر چه بهتر جوامع انسانی در گذشته کمک می‌گیرد. جنوب شرق ایران یکی از مناطق حائز اهمیت در تعاملات فرهنگی با مناطق دره سند، بین‌النهرین، فلات ایران و نوار ساحلی جنوب ایران بوده است؛ این منطقه به‌دلیل دارابودن اقلیمی مرطوب و حاره‌ای، کوهستان‌های صعب‌العبور و صحراهای خشک به هندوستان کوچک مشهور است. پژوهش پیش رو در منطقه سفیدکوه واقع در شهرستان نیکشهر، بخش بنت استان سیستان و بلوچستان انجام شده است. این منطقه سکونتگاه جوامعی با الگوی استقرار نیمه‌یکجانشین در قالب دهکده‌های پراکنده و منسجم با الگوی قرارگیری خاص در کنار رودخانه‌ها یا دشت‌های میان‌کوهی است که از الگوی معماری مدور، بیضی به‌طور منسجم و راست‌گوشه به صورت محدود تبعیت می‌کند. الگوی معیشت این جوامع بسیار گسترده است و بر مبنای کشاورزی، باغداری، دامداری، شکارگری، گردآوری غذا، تجارت و کارگری استوار است و از الگوهای فرهنگی و اقتصادی و مناسبات سیاسی و اجتماعی منحصر به فردی پیروی می‌کنند که به دوران پیش از تاریخ شباهت دارد. دو هدف مجزا و البته مرتبط در این پژوهش مورد نظر قرار گرفت: مرحله اول، بررسی و شناسایی محوطه‌های باستانی منطقه و مرحله دوم، بررسی مردم‌شناسی جوامع زنده کنونی. در این پژوهش تداوم الگوهای استقراری جوامع مورد مطالعه و نیز شناسایی و ثبت تمامی الگوهای زیستی و فرهنگی استقرارهای زنده در منطقه سفیدکوه مکران (بلوچستان) بررسی شد. در نهایت، با به‌کارگیری رویکردهای قوم‌باستان‌شناسی میزان شباهت و تفاوت جوامع مورد نظر با جوامع پیش از تاریخ (منحصراً فرآپارینه سنگی، نوسنگی، مس و سنگ) سنجیده شد که نهایتاً منجر به آگاهی بهتر از فرهنگ‌های باستانی و خاص منطقه شد.

دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۱۵

پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۲۲

انتشار آنلاین: ۱۳۹۷/۰۲/۱۹

نویسنده مسئول:

حسین واحدی

دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران

پست الکترونیک:

hossein.vahedi20@gmail.com

کلیدواژه‌ها: بررسی باستان‌شناختی، قوم‌باستان‌شناسی، بلوچستان، سفیدکوه، جوامع پیش از تاریخ

حق کپی رایت انتشار: این نشریه ی دارای دسترسی باز، تحت قوانین گواهی‌نامه بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 International License منتشر می‌شود که اجازه اشتراک (تکثیر و بازآرایی محتوا به هر شکل) و انطباق (باز ترکیب، تغییر شکل و بازسازی بر اساس محتوا) را می‌دهد.

مقدمه

همانند سایر نقاط دیگر ایران از فرهنگ غنی و پتانسیل بالایی در جهت مطالعات باستان‌شناسی، مردم‌شناسی، قوم باستان‌شناسی و باستان‌شناسی تجربی^۲ (برای مطالعه بیشتر رک: سمیعی و قمری فتیده، ۱۳۹۶) برخوردار است اما متأسفانه تاکنون از علوم میان‌رشته‌ای محدودی در مطالعات

در ایران تعداد پژوهش‌های باستان‌شناختی که در راستای تحلیل و توضیح یافته‌های باستانی انجام شده است بسیار کمتر از پژوهش‌های توصیفی است؛ با این توضیح، مطالعات قوم‌باستان‌شناسی^۱ در ایران بسیار اندک انجام شده است (برای مطالعه بیشتر رک: فاضلی نشلی، ۱۳۸۴). منطقه بلوچستان

² Experimental Archaeology

¹ Ethnoarchaeology

(Spooner, 1974) اشاره کرد. پژوهش‌ها و مطالعات قوم‌باستان‌شناسی در این ناحیه به‌ندرت انجام شده است و از نمونه‌های آن می‌توان به پژوهش مشترک روح‌الله شیرازی، حسین مرادی و مجتبی سلطانی با عنوان «روستاهای ماهیگیری متأخر در کرانه‌های دریای مکران شواهدی برای بازسازی روستاهای ماهیگیری باستانی» اشاره کرد (شیرازی و همکاران، ۱۳۹۱). نه‌فقط در منطقه سفیدکوه مکران بلکه در رشته‌کوه سفیدکوه هیچ نوع مطالعات علمی و هدفمندی در زمینه انسان‌شناسی، باستان‌شناسی، قوم‌باستان‌شناسی، مردم‌شناسی و غیره انجام نشده است؛ از این رو به‌دلیل اهمیت و غنای فرهنگی این منطقه اولین پروژه باستان‌شناختی و مردم‌شناسی و در پی آن نخستین پژوهش قوم‌باستان‌شناسی در سال ۱۳۹۴ توسط حسین واحدی، یکی از نگارندگان، در منطقه شروع شد (واحدی، ۱۳۹۸).

روش کار

نوشتار حاضر حاصل نتایج بررسی باستان‌شناختی و قوم‌باستان‌شناسی با عنوان بررسی باستان‌شناسی سکونتگاه‌های منطقه سفیدکوه مکران است که با مجوز پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری در شهریور سال ۱۳۹۸ انجام شده است. در این پژوهش از روش مقایسه بین یافته‌های پویای مردم‌شناسی و یافته‌های ایستای باستان‌شناسی استفاده شده است و اطلاعات موردنظر از دو روش کتابخانه‌ای و میدانی گردآوری شده است. با به‌کارگیری تئوری حدوسط^۳ (برای مطالعه بیشتر رک. Drewett, 1999 و Trigger, 1989) همانند پلی بین مواد و شواهد استخراج‌شده از عملیات میدانی به مقایسه و شناسایی وجه اشتراکات و شباهت جوامع مذکور با جوامع پیش‌ازتاریخ در دستور کار مطالعات قرار گرفت. بررسی‌ها و مطالعات قوم‌باستان‌شناسانه از دو بخش مطالعات و بررسی‌های مردم‌شناسی و بررسی‌های باستان‌شناسی تشکیل می‌شود که در ایران به صورت موردی در حال انجام است اما این نوع مطالعات در میان باستان‌شناسان دنیا بسیار جایگاه ویژه و مهمی دارد و در ایران نیز بیشتر مطالعات قوم‌باستان‌شناختی در زاگرس معطوف بودند. در مرحله اول این فصل از بررسی میدانی، منطقه مورد مطالعه با عکس‌های ماهواره‌ای بررسی شد و محدوده‌ای با مساحت هفتاد هکتار برای انجام بررسی انتخاب کردیم. در مرحله دوم محدوده موردنظر به مربع‌های

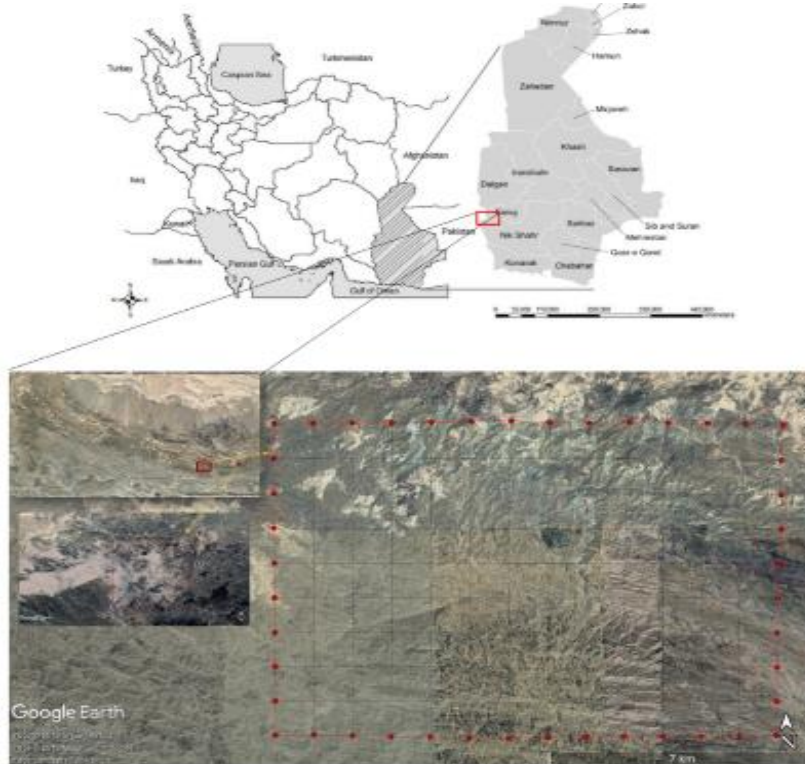
منطقه بلوچستان استفاده شده است. نکته مهم در مطالعات باستان‌شناختی در جنوب شرق ایران، عدم مطالعه جوامع روستایی در دوران پیش‌ازتاریخ است. پژوهش‌های انجام‌شده در منطقه وسیع جنوب شرق بر مبنای نتایج حاصل کاوش‌های انجام‌گرفته در کلنی‌های بزرگی همچون شهر سوخته، تپه یحیی و بمپور است و جوامع روستایی باستان که نقش اساسی در ساختار اجتماعی یک جامعه ایفا می‌کنند نقش چندانی در پژوهش‌های باستان‌شناختی انجام‌شده در جنوب شرق نداشته است. در بررسی‌های منطقه سفیدکوه مکران (بلوچستان)، شواهدی از حضور جوامعی با ساختار فرهنگی ساده یا نیمه‌پیچیده، با الگوی استقرار نیمه‌یکجانشین و الگوهای زیستی بسیار غنی شناسایی شد که قابل انطباق با شواهد باستان‌شناختی مرتبط با چنین جوامعی است. منطقه مورد مطالعه با اقلیم کوهستانی و موقعیت قرارگیری استراتژیک بین نوار ساحلی در جنوب و دشت‌های شمالی آن با فرهنگ‌های متفاوت، برای انجام مطالعات این حوزه بسیار ارزشمند و درخور توجه است.

تاریخچه انجام اولین مطالعات پژوهشی در بلوچستان را می‌توان توسط مستشاران کمپانی هند شرقی نظیر ژنرال تیت دانست اما سرمنشأ مطالعات علمی توسط سر اورل اشتاین در منطقه شناخته می‌شود (مرادی، ۱۳۸۳، ص. ۱۳) مطالعات بعدی صورت گرفته توسط بئاتریس دکارتی در تپه بمپور انجام گردید که یافته‌های حاصل از کاوش‌های باستان‌شناختی او نشان دهنده دوران آغاز تاریخی بود (سلطانی، ۱۳۸۹، ص. ۴۰). از مطالعات علمی بعدی که بسیار گسترده و حائز اهمیت بود می‌توان به پژوهش‌های مشترک ایران و آمریکا به سرپرستی گری هیوم در سال‌های ۱۳۴۶-۱۳۴۷ اشاره کرد (وحدتی‌نسب، ۱۴۷، ص. ۱۳۹۴). مطالعات دیگری نیز بسیار مؤثر و درعین حال کند و محدود در منطقه انجام شد که از جمله می‌توان به مطالعات گسترده مرتضوی (۱۳۹۱)، سیدسجادی (۱۳۸۳)، شیرازی (۱۳۹۳) و مرادی و همکاران (۱۳۸۳) اشاره کرد. محدوده شهرستان نیک‌شهر و منطقه بنت طی دو مرحله در سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۸ توسط دکتر روح‌الله شیرازی بررسی شد و نتایج بسیار مهم و درخور توجهی از این منطقه ثبت و منتشر شده است. مطالعات مردم‌شناسی در این منطقه با توجه به غنای فرهنگی این اقوام نسبتاً کم بوده و از این موارد می‌توان به پژوهش‌های جانب‌اللهمی (۱۳۷۵)، سالزمن (۱۳۶۲) و اسپونر

³ Middle Range Theory

محوطه‌های باستانی به‌منظور پی‌بردن به تداوم استقرارهای جوامع انسانی بود و سؤالی اساسی را دنبال می‌کرد که آیا پراکندگی استقرارها در منطقه مورد بررسی مانند امروز بوده یا به هر دلیلی تفاوت داشته است؟ هدف مطالعات قوم‌باستان‌شناسی شناسایی، ثبت و بررسی وجوه اشتراک و افتراق بین جوامع امروزی ساکن در منطقه و جوامع باستان (پیش‌از تاریخ) است. در واقع هر دو پژوهش با هدفی وابسته به یکدیگر به‌منظور مطالعات بلندمدت در حیطه مذکور برای نخستین بار انجام شده است.

یک‌هکتاری شبکه‌بندی شد و در مرحله سوم که به‌طور رسمی فاز میدانی این طرح را شامل می‌شد به پایش منطقه و شناسایی سکونتگاه‌های (دهکده‌ها) امروزی و محوطه‌های باستانی در منطقه پرداخته شد (تصویر ۱). در این طرح به‌دلیل داشتن دو هدف مجزا اما همسو با یکدیگر، نه‌تنها به جمع‌آوری شواهد باستانی بلکه به جمع‌آوری یافته‌های مردم‌شناسی نیز پرداخته شد. اهداف این طرح در اولین فصل رسمی خود بر دو محور مطالعات قوم‌باستان‌شناسی و مطالعات باستان‌شناسی استوار بود. هدف مطالعات باستان‌شناسی در این فصل، شناسایی



تصویر ۱. موقعیت منطقه مورد مطالعه (برگرفته از Google Earth)

یافته‌ها

شواهد و یافته‌های مردم‌شناسی

مطالعات قوم‌باستان‌شناسی نیز می‌توان به شناسایی، مستندنگاری و مطالعه جوامع کمترشناخته‌شده در مناطق دور از دسترس که تا به حال هیچ‌گونه مطالعات علمی در آن صورت نگرفته اشاره کرد که محصول نهایی آن شناخت وجوه مشترک این جوامع با جوامع پیش‌از تاریخ موجود در منطقه است. در بررسی‌های انجام‌شده به مطالعه یک نوع از جوامع منحصربه‌فرد با ساختار سیاسی نیمه‌پیچیده و ساده با الگوی استقرار نیمه‌یکجانشین در منطقه دور از دسترس، ساکن در

در این فصل از پروژه بررسی و شناسایی باستان‌شناختی در منطقه سفیدکوه دو نوع یافته عمومی حاصل شد که شامل یافته‌های عمومی در زمینه فرهنگ‌های ایستا یا باستان‌شناختی و یافته‌های حاصل از مطالعه فرهنگ‌های پویا یعنی مردم‌شناسی است. از اهداف اصلی این طرح در فاز میدانی بررسی باستان‌شناختی، شناسایی استقرارهای باستانی و تداوم الگوی استقرار دهکده‌های مستقر در منطقه بوده و از اهداف

جامعه‌ای خرد یا گروهی کوچک روبه‌رو هستیم که در واقع فقط یک خانواده هستند و ۵ نفر جمعیت دارند. در جوامع قبیله‌ای ریش‌سفیدانی که به بزرگ مرد مشهورند دارای قدرت نسبی هستند، به صورت شورایی انتخاب می‌شوند و به امور رسیدگی می‌کنند و در محله‌ای تفکیک‌شده در کنار بقیه اعضای طایفه زندگی می‌کنند. در جوامع خان‌سالار، خوانین گیرنده تصمیمات در هر سطحی بوده و خانه‌های خان و محدوده تحت تملک او بزرگ‌تر و قابل تفکیک از بقیه اجتماع است، او از همگان برتر بوده و بر امور جامعه نظارت کامل دارد. فرزندان خان نیز برای جامعه محترم هستند و از کودکی همراه پدر در امور روزانه حضور دارند که همین امر احتمال جانشین‌شدنشان را افزایش می‌دهد. الگوی جانشینی رهبر جامعه برپایه مواردی همچون هم‌خون‌بودن، کارآمدبودن، بلوغ فکری، جسمی و روحی، مردمی‌بودن و در آخر مسلمان‌بودن یا داشتن مذهب پیشینیان خود است. به‌طور کلی در این جوامع مساوات و برابری حاکم است و جایگاه اجتماعی روی مسائل کاری تأثیرگذار نیست. در مواردی تغییر نام‌محسوس الگوی اجتماعی دهکده از جامعه مساوات‌طلب به جامعه نیمه‌خان‌سالار در الگوهای رفتاری، سیاسی، معماری به‌خوبی قابل رویت است اما به‌طور کلی همه افراد اجتماع در پیشبرد اهداف دهکده که هدف اصلی آن، حفظ دهکده و جمعیت آن در شرایط مطلوب است نقش دارند و ریش‌سفید، کدخدا یا خان دهکده تنها در نقش مرجعی برای حل معضلات جامعه قرار دارند؛ این شیوه را می‌توان در جوامع نوسنگی و مس و سنگی نیز جست (تصویر ۲).

میان دره‌های منطقه‌ای به نام کوهستان سفیدکوه واقع در شهرستان نیکشهر، بخش بنت، دهستان دستگرد پرداخته شد. الگوهای استقراری، معماری و معیشت این جوامع پیش از هرچیز با دوران پیش‌از تاریخ شباهت دارد و ساختارهای سیاسی و تاحدودی اجتماعی آن‌ها نیز مشابه جوامع پیش‌ازتاریخی است که همه این ویژگی‌ها معرفی و بررسی خواهند شد.

الگوی سیاسی

در منطقه سفیدکوه بلوچستان دوازده استقرار انسانی پویا و نیمه‌پویا دیده می‌شود که اسامی آن‌ها به این ترتیب است: بارگدن^۴، سرخ کلوت جدید^۵، کوچکدام^۶، کددپ (الف و ب)^۷، کوپی‌دب^۸، تنگ‌سم^۹، تورک گواش^{۱۰}، دینگر^{۱۱}، جوانجا^{۱۲}، کوچو^{۱۳}، پتگان^{۱۴} و سیاه‌دن^{۱۵}. استقرارهای انسانی در این منطقه به دو شکل دیده می‌شود: ۱- اجتماعات متراکم و پرجمعیت با سازه‌های معماری متعدد و چند خانواری؛ ۲- خانواده‌هایی منفرد یا جفت که به صورت کوچ‌رویی در منطقه پراکنده هستند. هر استقرار دارای قلمرویی به شعاع تقریبی ۵ تا ۱۰ کیلومتر است. الگوی استقراری در منطقه بسیار متنوع بوده و نسبتاً از روابط خونی و خویشاوندی پیروی می‌کند. الگوی سیاسی نیز در منطقه به‌صورت هرمی و گاهی خطی است و طبقات اجتماعی در این جوامع قابل تفکیک هستند. در یک کلام، با دو نوع جامعه عمده در منطقه سفیدکوه روبه‌رو هستیم، طایفه یا قبیله^{۱۶} و جامعه خان‌سالار^{۱۷}. البته در موردی بسیار نادر در روستای سیاه‌دن با



تصویر ۲. نشست خوانین دهکده‌های ساکن سفیدکوه برای حل برخی مسائل طائفه‌ای (نگارندگان، ۱۳۹۸)

¹¹ Dingar
¹² Javanja
¹³ Kupchu
¹⁴ Patgan
¹⁵ Siyah Dan
¹⁶ Tribe
¹⁷ Chieftdom

⁴ Baregdan
⁵ New Sorkh Klut
⁶ Kuchkodam
⁷ Koddap (A/B)
⁸ Kopeydap
⁹ Tangsam
¹⁰ Torkguash

نیمه یکجانشینی تبعیت می‌کنند و در پراکنش خانه‌های دهکده الگوی خاصی قابل مشاهده نیست اما فرم دهکده‌ها اشکال مشخص و نامشخص مانند خطی، دایره‌ای، بیضی، خوشه‌ای و نامنظم دارد. در گذشته، دهکده‌ها از روند کوچ یک‌ماهه یا شش‌ماهه (براساس منابع در دسترس) پیروی می‌کردند اما با مطالعات انجام‌شده بر نوع تغییر الگوهای زیستی جوامع ساکن سفیدکوه این نتیجه حاصل شد که پدیده انفجار جمعیتی در این منطقه در حال رخ دادن است و روند کوچ به تعویق افتاده است. با ورود آب لوله‌کشی از چشمه‌های اطراف، منابع آبی بدون جابه‌جایی در اختیار اهالی دهکده‌ها قرار گرفته و باعث یکجانشین شدن ساکنان آن شده است. گسترش هر ساله دهکده‌ها و افزایش جمعیت مکمل هم شده‌اند که این افزایش جمعیت با وجود کمبود منابع غذایی برای این جوامع بسیار خطرناک خواهد بود و علاوه بر آن، انتشار بیماری‌های واگیردار را با خود به دنبال داشته است.

الگوی معماری

معماری یکی از دستاوردهای بشر است که سابقه ظهور آن طبق شواهد به دست آمده حاصل از کاوش‌های باستان‌شناختی به دوره نوسنگی می‌رسد (کارتر، ۱۳۹۰). سابقه ظهور آن طبق در نظر گرفتن تئوری اشاعه و همین‌طور بررسی وضعیت جوامع در آن بازه زمانی می‌تواند به دوره‌های قبل‌تر مخصوصاً به دوران فراپارینه‌سنگی برسد (Nadel, 2004)، اما معماری منسجم و ثابت مشخصاً در دوره نوسنگی ظهور کرده است. اولین شواهدی که از معماری در دسترس قرار دارد نشان‌دهنده سازه‌هایی بر پایه الگوی گرد یا مدور در کنار منابع آب دائمی یا فصلی است (طلایی، ۱۳۹۴، ص. ۸۵). در واقع الگوی معماری مدور اصلی‌ترین و اولین نوع معماری ابداع‌شده توسط بشر است (برای مطالعه بیشتر رک. کارتر، ۱۳۹۰؛ طلایی، ۱۳۹۴). نکته مهم در خصوص دهکده‌های مورد مطالعه این پژوهش آن است که این دهکده‌ها به‌طور عمده از الگوی معماری مدور پیروی می‌کند و بر پایه مطالعات مردم‌شناسی صورت گرفته در محدوده این جوامع مشخص شده است که این معماری نسل به نسل در بین این مردمان استفاده شده است. در این جوامع، کاربری سازه‌ها برحسب نیاز کاربر تغییر می‌کند و متفاوت است و البته سازه‌ها هم به صورت انفرادی و خانوادگی و هم در بعضی از سازه‌ها به صورت گروهی استفاده می‌شود. در واقع سه نوع عمده معماری در بین جوامع ساکن در منطقه دیده می‌شود، معماری مدور، معماری بیضی، معماری راست‌گوشه که هر یک از این نوع

الگوی استقراری در منطقه به دلیل شرایط جغرافیایی، اقلیمی و معیشتی از دو مورد اصلی پیروی می‌کند؛ زمین مسطح و منابع آبی کافی. به دلیل کوهستانی بودن منطقه، داشتن زمین مسطح و منابع آبی جزء برتری‌های سیاسی و اجتماعی و دلیل شکوفایی هر دهکده محسوب می‌شود. اگرچه مواردی مانند موقعیت قرارگیری، روابط سیاسی، تعداد احشام، جمعیت، میزان تکنولوژی در دسترس، راه‌های ارتباطی و غیره نیز در این روند در نظر گرفته می‌شود. در مواردی هر دهکده دارای یک دهکده مستعمره برای دستیابی به منابع آن است. مستعمره‌ها دارای خوانینی هستند که به صورت غیرمستقیم زیرمجموعه خان دهکده اصلی به شمار می‌آیند و دارای روابط خویشاوندی کاملاً نزدیکی نیز با خان بزرگ هستند. تمامی دوازده دهکده مستقر در منطقه در تعامل و ارتباط مستقیم با یک دهکده مرکزی به نام بارگدن هستند که بر سر راه ارتباطی کوهستان سفیدکوه با جوامع شهری قرار گرفته است. دهکده بارگدن در واقع یک قدرت سیاسی بالقوه در منطقه است. داشتن سرمایه، جمعیت کافی و منابع از فاکتورهای ارجعیت یک دهکده است اما بارگدن نسبت به دهکده‌های پرجمعیت از منابع کافی برخوردار نیست بلکه این دهکده توسط خانی اداره می‌شود که خود و پسرش از نخبه‌های سیاسی منطقه محسوب می‌شوند. علاوه بر آن، به دلیل قرارگیری بر سر راه ارتباطی جوامع شهری بیشترین ارتباط را با جوامع شهری دارد. تمامی دهکده‌های منطقه دارای ریشه خونی مشترک باهم هستند و همگی از روابط خویشاوندی نزدیک برخوردارند، این امر باعث شده که هیچ‌گونه جنگ و نزاع ریشه‌داری در منطقه شکل نگیرد؛ در واقع بارگدن یک فرهنگ مادر در منطقه به حساب می‌آید چون هر پدیده نوینی که در بارگدن ظهور می‌کند بقیه دهکده‌ها نیز از آن الگوبرداری می‌کنند. خان بارگدن در امور سیاسی بعضی از دهکده‌ها به‌طور مستقیم و در بعضی دهکده‌ها غیرمستقیم نظارت دارد. بین فرزندان خوانین و دیگر اعضای جامعه پیوندهای خونین وجود دارد و به این دلیل خان بارگدن توانایی دخالت در امور سیاسی منطقه را دارد اما نمی‌تواند در امور داخلی دهکده‌های منطقه دخالت کند.

در این منطقه دهکده‌ها عموماً در حاشیه رودخانه‌ها یا بر سطوح هموار تپه ساخته و گسترش می‌یابند؛ این مسئله در یافته‌های باستانی پژوهش حاضر نیز قابل مشاهده است. دهکده‌های سفیدکوه بلوچستان به دو صورت محصورشده با پرچین یا بدون حصار هستند. این جوامع از الگوی

متوسط و کوچک استفاده می‌شوند. در بین جوامع منطقه سفیدکوه مکران سه گونه معماری مدور، بیضی، راست‌گوشه در انواع مدور دازی، مدور سنگی، مدور حصیری‌گلی، بیضی زاویه‌دار، بیضی ساده و راست‌گوشه در ابعاد و اندازه‌های مختلف شناسایی و بررسی شده است.

الف) سازه مدور دازی^{۲۰}: این نوع معماری که از پرکاربردترین و رایج‌ترین نوع معماری مدور به شمار می‌آید، کاربرهای بسیاری دارد. از شاخص‌ترین کاربردهای آن می‌توان به قابل انتقال بودن این نوع معماری اشاره کرد. تفکیک فضایی در درون این نوع معماری دیده نشده است و در صورت نیاز به فضای بیشتر، بنایی جدید در کنار آن ساخته می‌شود. عمر متوسط این شیوه معماری حدود ۵ تا ۷ سال است و ساخت آن تنها به دو تا سه روز زمان نیاز دارد. معمولاً در کف این سازه‌های مدور دازی اجاقی مستطیلی شکل وجود دارد. این نوع معماری در اندازه‌های مختلف ساخته می‌شود که به دلیل کاربری‌های متفاوت است و بزرگ یا کوچک بودن آن، نشانگر جایگاه اجتماعی صاحب خانه نیست. بیشتر مردمان سفیدکوه از این گونه معماری بهره می‌گیرند و مصالح ساخت آن از محیط طبیعی پیرامون تهیه می‌شود. مصالح مورد استفاده در این سازه متشکل از طناب‌های دازی، تور بافته‌شده از داز، تیرک‌هایی از جنس شاخه‌های داز و گُناز، برگ‌های درخت داز است و برای ساخت آن نیاز به مشارکت معمار نیست. این معماری در کاربری‌های متفاوت استفاده می‌شود و می‌توان کاربرد آن را به هشت بخش نشیمن، حمام، اتاق خواب، مهمانسرا، انبار، آشپزخانه، آغل و بنای عمومی (مدرسه و در مواردی مسجد) تقسیم کرد و معمولاً ممکن است کاربری آن در موارد مورد نیاز تغییر کند. تزئینات آن معمولاً بسیار ناچیز و به صورت طاقچه‌هایی در ابعاد مختلف و کم‌عرض به سلیقه و نیاز کاربران به شکل الحاقی در بنا ساخته می‌شود.

ب) سازه مدور حصیری‌گلی (چپر): این نوع سازه بی‌شبهت به معماری مدور سنگی نیست و در الگوی تفکیک فضایی، نشان‌دهنده جایگاه اجتماعی افراد است. در واقع، این نوع معماری با نوع معماری چپر در دوره نوسنگی که متشکل از دسته‌های نی و شاخه‌های کوچک بافته شده است که با اندود گل رس و کاه از طرفین احاطه شده است (کارتر، ۱۳۹۰، ص.

معماری‌ها با انواع مختلف، ابعاد مختلف و میزان پراکنش متفاوت در دهکده‌های منطقه سفیدکوه مکران یافت می‌شوند. میزان درصد استفاده و به‌کارگیری هریک از الگوهای معماری نسبت به یکدیگر متفاوت‌تر است و البته کاربری آن نیز متفاوت و متعلق به جایگاه اجتماعی خاصی است. معماری مدور با فراوانی ۸۰ درصدی، از اصیل‌ترین و کاربردی‌ترین نوع معماری‌های مورد استفاده در منطقه با کاربری‌های مختلف است. معماری بیضی با ۱۰ درصد استفاده بیشتر در دهکده‌های شمالی کوهستان رویت‌شده و به صورت منفرد در بناهای مسکونی و البته مذهبی در سایر دهکده‌های منطقه نیز دیده می‌شود و معماری راست‌گوشه نیز با ۱۰ درصد کاربری جز معماری سیاسی و با وجه‌های طبقاتی در میان برخی جوامع قابل مشاهده است. تداوم و روند تغییر معماری به‌خوبی در یک محدوده ۱۰۰ هکتاری و در بین دوازده دهکده قابل تشخیص است.

انواع سازه‌های معماری از نظر شکل و شیوه ساخت در منطقه را می‌توان به چند بخش تقسیم کرد که در ادامه به تفصیل به آن‌ها پرداخته شده است:

معماری مدور

در گویش محلی به آن لوگ^{۱۸} یا تیت^{۱۹} می‌گویند. معماری مدور اما جزو پرشمارترین و قدیمی‌ترین نوع معماری در منطقه محسوب می‌شود. معماری مدور در تمامی دوازده دهکده مورد مطالعه، چه دهکده‌های چندخانواره و چه گروه‌های انسانی تک‌خانوار در منطقه شناسایی شده است به طوری که این نوع معماری جزء لاینفک فرهنگ‌های موجود در منطقه است. معماری مدور سه زیرگونه دارد که همانند سایر انواع معماری در ابعاد مختلف با کاربری‌های متفاوت بهره‌برداری می‌شود. این معماری در زیرگونه‌های خود دارای نحوه ساخت، میزان عمر، جایگاه اجتماعی، کاربری و اندازه متفاوت است. سازه مدور دازی در این جوامع از اجزایی نظیر شبکه مش مشبک چوبی^{۲۱}، پوشش‌های حصیری، لایه پوشاننده مابین^{۲۲}، کف تشکیل شده است اما در معماری مدور سنگی و حصیری‌گلی علاوه بر اجزای تشکیل دهنده معماری دازی در بدنه دو نوع مصالح سنگ و گل هم کاربرد دارد. سه نوع عمده معماری مدور در بین جوامع بلوچ شناسایی شده است که می‌توان به توپی‌ها^{۲۳}، لادی‌ها^{۲۴} و کاپار^{۲۵} اشاره کرد که توپی‌ها به نسبت بیشتری در سایز بزرگ،

^{۲۰} - داز: با نام علمی (*Nannorrhops ritchiana*) شناخته می‌شود در واقع گونه وحشی درخت خرما است و در تراس و بستر رودخانه‌ها رشد می‌کند و نقش به‌سزایی در معماری و فرهنگ اقوام جنوب‌شرق ایران ایفا می‌کند.

^{۱۸} Log

^{۱۹} Teit

ساخت این بنا از سنگ و ملات آن گل و گچ یا گل و آهک است. در مواردی با ملات گل و الیاف گیاهی بیرون بنا اندود می‌شود و درون بنا با گل و گچ یا گل و آهک اندود می‌شود. سقف آن متشکل از جاگذاری تیرک‌هایی منظم در کنار هم و قراردادن متراکم برگ‌های درخت داز همراه تور نگهدارنده به‌عنوان پوشش سقف است. در این نوع سازه ۵۰ تا ۶۰ درصد از بنا تجزیه‌ناپذیر است و بقیه که پوشش سقف یا به‌اصطلاح کلاه بنا نامیده می‌شود کم‌دوام و تجزیه‌پذیر است. زمان ساخت این بنا ۵ تا ۱۰ روز است و برای ساخت آن باید معمار دهکده حتماً در امور ساخت‌وساز حضور یابد. این نوع سازه معماری، سیاسی و کاربردی محسوب می‌شود و کاربری آن معمولاً به‌عنوان نشیمن و محل قرارگیری کالای شان‌زا و نشان‌دهنده جایگاه اجتماعی و سیاسی مالک آن است؛ درواقع، این معماری در اختیار نخبه‌های اقتصادی و سیاسی جامعه است.

د) سازهٔ مدور خشتی: این نوع سازه دارای معماری منحصربه‌فردی است که جزو نادرترین نوع معماری مدور است و البته به‌دلیل عدم رواج این نوع مصالح و ترغیب اهالی به ساخت آن در منطقه تنها در یک مورد دیده شده است. سازهٔ مدور خشتی سفیدکوه مشابه معماری دورهٔ نوسنگی محوطه‌ای همچون جریکو است (کارتر، ۱۳۹۰) و جزو مقاوم‌ترین نوع معماری به شمار می‌آید. در بررسی انجام‌شده دو مورد از این نوع معماری در دهکدهٔ متروک بورکوج^{۲۱} مشاهده و ثبت شد. ساخت این سازه به‌دلیل بالابودن هزینهٔ ساخت و عدم ترغیب اهالی به تولید مصالح (خشت)، دیگر امروزه ساخته نمی‌شود. دیوارهای این سازه از خشت‌هایی با میانگین ابعاد ۲۵×۳۵ سانتی‌متر ساخته می‌شود. استفاده از این نوع معماری نیز نشان‌دهندهٔ جایگاه اقتصادی و اجتماعی فرد است؛ به‌منظور تفهیم جایگاه مالک این نوع خانه همین بس که در حال حاضر فقط یک نمونه از این سازه مورد استفاده است که متعلق به یکی از عموزادگان خان دهکدهٔ بارگدن است که در کشور کویت مشغول به کار بود. او در این دهکده جایگاه اقتصادی ویژه‌ای دارد و حتی از خان نیز تمکن مالی بیشتری دارد.

معماری بیضی

معماری بیضی گونه دوم از انواع معماری مورد استفاده در منطقه است. با توجه به بررسی انجام‌گرفته، معماری بیضی در دهکده‌های واقع در مناطق مرتفع و شمالی کوهستان یعنی دو دهکدهٔ کوپی‌دپ و تنگ‌سم و در یک مورد در کنار معماری

(۱۲۱) همسو است و شباهت غیر قابل انکاری دارد. ساخت این نوع معماری زمانی در حدود ۵ تا ۷ روز را می‌طلبد و ساخت آن نیاز به تخصص دارد که معمار دهکده عموماً در ساخت آن مشارکت دارد. این نوع معماری متشکل از تیرک‌های بافته‌شده به شکل لوزی در گرداگرد دیوار بنا و اندود کردن آن با کاه‌گلی به قطر پنج تا ده سانتی‌متر است که از بیرون و درون انجام می‌گیرد. این نوع معماری مشابه نمونه‌های نوسنگی در لوانت و خاورمیانه مانند محوطه‌های باستانی عین غزال، اوهالو ۲، تل رماد و قرمز دره است (کارتر، ۱۳۹۰). این نوع معماری در تعدادی از دهکده‌های مورد مطالعهٔ سفیدکوه قابل مشاهده است. تزئینات درونی این نوع بنا شامل طاقچه‌های طبقاتی به صورت عمودی یا دو طاقچهٔ بهم‌چسبیده است و معمولاً در وسط بنا یک اجاق مستطیلی قرار دارد. این سازه در صورت مرمت بدنه و پوشش سقف عمری در حدود ۲۰ تا ۲۵ سال خواهد داشت و درواقع عمر آن از سازهٔ مدور دازی بیشتر بوده و از سازهٔ مدور سنگی کمتر است. این معماری در اندازه‌های بزرگ اما معمولاً در تعدادی کمتر از گونهٔ سنگی معماری مدور ساخته می‌شود.

ج) سازهٔ مدور سنگی: این نوع معماری درواقع تکامل‌یافتهٔ معماری حصیری گلی است که نشان‌دهندهٔ جایگاه اجتماعی افراد است و نوعی جنبهٔ سیاسی دارد. نمونه‌هایی از این نوع معماری در محوطه‌هایی همچون عین ملاحه در سوریه، رمات حریف در فلسطین، وادی تمباق سوریه، جرف‌الاحمر سوریه، هالان چمی در ترکیه، کالواسوس تنتا در قبرس متعلق به دورهٔ نوسنگی یافت شده است (کارتر، ۱۳۹۰، ص. ۱۲۰). این نوع سازه برخلاف سازهٔ دازی غیرمنقول است و در همهٔ دهکده‌ها قابل مشاهده است و به‌دلیل اینکه خانهٔ بزرگ دهکده است، کاربری آن به هیچ عنوان تغییر نمی‌کند. به‌دلیل استحکام مناسب، جزء بادوام‌ترین نوع معماری در بین انواع معماری مدور است. تزئینات درونی آن بسیار قابل توجه است و به‌طور کلی سه نوع تزئینات عمده در این معماری به کار می‌رود: ۱- پنجره‌های کور و باز، ۲- طاقچه‌های درون بدنهٔ معماری، و ۳- طاقچه‌های طبقاتی متصل به بدنه.

در این نوع سازه نیز تفکیک فضایی وجود ندارد و به‌منظور نشان‌دادن جایگاه اجتماعی صاحب‌خانه، این خانه‌ها در ابعاد بزرگ (معمولاً قطر ۶ تا ۷ متر) ساخته می‌شوند و در موارد نادری معمولاً در وسط بنا یک اجاق مستطیلی قرار دارد. درون این بنا، وسایل بارز و کالاهای شان‌زا دیده می‌شود. مصالح

²¹ Borkoj

شده، بخش اول بدنه اصلی است که از مصالحی همچون سنگ با ملات گل و آهک است و بخش دوم که شامل پوشش سقف است و جزء بخش‌های تجزیه‌پذیر است. بخش دوم دارای سه لایه متشکل از تیرک‌های افقی قرار گرفته روی بدنه بنا از جنس بدنه درخت خرما یا درختان کهن کنار، حصیری بافته شده روی تیرک و ملات کاهگل روی آن است. طبق شواهد و بررسی‌ها مشخص شد که این نوع معماری مختص طبقه اجتماعی خاص با وضعیت اقتصادی متفاوت (یعنی خان دهکده و اعضای خانواده‌اش) و در تنها مورد به‌عنوان معماری مذهبی در دهکده جوانجا به خدمت گرفته می‌شود. معمولاً در کنار این نوع معماری، سازه مدور سنگی نیز ساخته و استفاده می‌شود. داخل این معماری کالاهای شأن‌زای تجملاتی و یادگارهای کهن از پیشینیان قرار داده می‌شود که شباهت زیادی به دوران آغاز کشاورزی دارد. تزئینات استفاده‌شده در داخل و بیرون بنا متفاوت است اما بیرون بنا در نمونه‌های اولیه فاقد پوشش سفیدکاری است؛ درحالی‌که در نمونه‌های متأخر دارای سفیدکاری هستند. تزئینات درونی این معماری بسیار متنوع، گسترده و البته منسجم است. این نوع معماری معمولاً در جهت خاصی قرار نمی‌گیرد و بسته به شرایط خاصی متغیر است. اگر بناهای راست‌گوشه را به دو بخش تقسیم کنیم، در یک بخش شومینه‌ای داخل بنا وجود دارد و دارای دو طاقچه در دو گوشه این بخش است. در بخش دیگر نیز سکویی از دو تیرک چوبی در ارتفاعات مختلف ساخته می‌شود که یا به‌عنوان محل نشستن و یا محل قرارگیری وسایل و لوازم خانه است. در دو طرف بنا یعنی در امتداد اضلاع طولی، چهار پنجره وجود دارد.

تغییر کاربری یکی از مکانیزم‌هایی است که جوامع مورد مطالعه برای به‌ربرداری هرچه بیشتر از شرایط فعلی جغرافیایی منطقه به کار می‌برند. از جمله دلایل تغییر کاربری فضای سازه‌ها می‌توان به شرایط فعلی جامعه مورد نظر و میزان استقامت آن سازه در برابر تخریب اشاره کرد. برای نمونه ممکن است یکی از لوگ‌ها که انبار بوده به اقامتگاه تغییر کاربری دهد یا برعکس. این عمل بستگی به میزان تولیدات، وضعیت اقتصادی، وضعیت سیاسی، دسترسی به منابع، میزان استقامت سازه، شرایط اقلیمی، میزان رشد و یا کاهش جمعیت دارد که همگی در روند توسعه دهکده‌های مورد نظر و ارتقا یا نزول سبک زندگی افراد آن جامعه متأثر است. کاربری این خانه‌ها بسیار حائز اهمیت است، چون ممکن است فضای هر بنا در مدتی به مصارف گوناگون و

مدور در نواحی غربی کوهستان یعنی دهکده نیمه‌متروک دینگر مورد استفاده است. معماری بیضی به دلیل داشتن فضای بیشتر، در آن تفکیک فضایی به صورت دستی بسیار کاربردی و مورداستفاده در نواحی ذکر شده است. معماری بیضی از مصالح گیاهی ساخته شده است و همانند معماری مدور ساخته می‌شود اما فرم و شکل قرارگیری تیرک‌ها و چهارچوب بنا به شکل یک بیضی کامل است. معماری بیضی در واقع نوعی معماری منشعب‌شده از معماری مدور است که به سمت راست‌گوشه‌شدن سوق پیدا می‌کند. در معماری مدور هیچ گوشه‌ای در بنا وجود ندارد اما در معماری بیضی که در دو نوع دیده می‌شود، در نوع اول دو گوشه یا ضلع در دو طرف معماری وجود دارد که همان معماری بیضی است و در نوع دوم چهار کنج در چهار طرف بنا به چشم می‌خورد که معماری بیضی زاویه‌دار نام نهاده شده است. طبق بررسی‌های صورت‌گرفته، این‌گونه معماری نسبت به معماری مدور مقاوم‌تر است. معماری بیضی در دهکده‌های ضلع شرقی منطقه سفیدکوه بلوچستان دیده می‌شود اما به صورت منفرد در بافت برخی از دهکده‌ها (به سلیقه سازنده بنا) و همین‌طور تقریباً در تمامی بناهای مذهبی یعنی مساجد، معماری بیضی دیده می‌شود. در یک ضلع طولی بنای مساجد برآمدگی‌ای به شکل محراب دیده می‌شود و در ضلع دیگر دیوار وجود ندارد و مسجد مستقیماً به حیاطی کوچک متصل است که به دلیل احتمال افزایش جمعیت نمازگزاران در پاره‌ای از اوقات، این چنین ساخته می‌شود. تزئینات درون این معماری همانند معماری مدور الحاقی و از جنس بدنه خود بنا است و معمولاً به شکل طاقچه‌هایی متشکل از چند نی تقطیع‌شده در کنار یکدیگر است که با طناب‌هایی از جنس داز به بدنه متصل شده است. در این معماری برخلاف نوع معماری مدور که اجاق مستطیلی در اکثر بناها کار گذاشته می‌شود در این مورد اجاق فقط در یک بنا با کاربری مشخص (مطبخ) استفاده می‌شود. تمامی اعضای دهکده با هر رتبه و جایگاه اجتماعی و سیاسی از این نوع معماری استفاده می‌کنند.

معماری راست‌گوشه

این نوع معماری یکی از کم‌تعدادترین نوع معماری در منطقه است. معماری راست‌گوشه در دهکده‌های ناحیه غربی منطقه سفیدکوه بلوچستان یعنی دهکده‌های تورک‌گواش، جوانجا و کوپچو دیده می‌شود. این معماری درزمره مقاوم‌ترین و منسجم‌ترین نوع معماری قرار می‌گیرد و از مصالح بومی خود منطقه ساخته شده است. این نوع معماری از دو بخش تشکیل

می‌شود همواره ثابت است و فضای انبار متغیر است که ممکن است در زمانی اقامتگاه، در زمانی دیگر انبار و پس از آن دوباره به اقامتگاه تبدیل شود (تصویر ۳).

متعدد اختصاص داده شود و یا در بعضی موارد نیز دیده شده است که هر فضا مختص کاربرد خاصی است. مثلاً فضایی که به عنوان آشپزخانه یا نگهداری مواد پخت‌وپز و آذوقه استفاده



تصویر ۳. A) سازه مدور دازی، B) سازه مدور سنگی، C) سازه مدور حصیری گلی، D) بقایای سازه مدور خشتی، E) سازه‌ای با پلان بیضی، F) سازه‌ای با پلان راست‌گوشه (نگارندگان، ۱۳۹۸).

کارگری، ماهیگیری تقسیم کرد. همه این الگوهای معیشتی در همه دهکده‌ها به صورت یکجا موضوعیت ندارد و روستاهای مختلف با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی و اقلیمی خاص منطقه خود یک یا چند گونه از الگوهای معیشتی استفاده می‌کند و برای نیازهای دیگر خود به تبادل کالا با دهکده‌های هم‌جوار و یا شهرهای مدرن منطقه می‌پردازند. تبادل مازاد تولید و تجارت منطقه‌ای چیزی حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد در اقتصاد این جوامع تأثیرگذار است. کشاورزی و دامداری از مهم‌ترین مشاغل جوامع مذکور هستند و باغداری در کنار دامداری، کشاورزی و تجارت از شغل‌های اصلی در بین جوامع مذکور است. باغداران به تولید خرما و مرکبات می‌پردازند و الگوهای شغلی همچون کارگری، شکارگری، ماهیگیری و گردآوری از مشاغل مکمل هستند. الگوی کشاورزی این جوامع به صورت دیم و نیمه‌غرق آبی (در موارد محدود) و اقدام به کشت اقلامی همچون عدس، باقلا،

الگوی معیشتی

یکی دیگر از ویژگی‌هایی که در جوامع مورد مطالعه به منظور شناخت هر چه بهتر تعاملات اقتصادی و رشد فرهنگی و سیاسی آنان و همین‌طور استفاده از این داده‌ها در قیاس با یافته‌های باستانی مؤثر است، الگوی معیشتی است. الگوی معیشتی در بین این جوامع بسیار متنوع و مهم است و به نظر می‌رسد تنوع الگوهای معیشت در بین جوامعی با ساختار سیاسی و فرهنگی ساده و یا نیمه‌پیچیده، در تعاملات درون منطقه‌ای و مهم‌تر از آن تعاملات برون منطقه‌ای از دیرباز تا امروز به همین شکل بوده است. الگوی معیشتی در بین جوامع سفیدکوه بلوچستان به سه قسمت تقسیم می‌شود که هر کدام به نوعی در روند زندگی روزمره این جوامع نقش ایفا می‌کند. بر این اساس معیشت جوامع منطقه سفیدکوه را می‌توان به سه بخش یعنی کشاورزی، دامداری، باغداری، شکارگری، گردآوری، تولیدگر، تجارت،

آمده و بعد از برداشت اصل محصول، خرماي باقی‌مانده را گردآوری کرده و مصرف می‌کنند و گاهی نیز در روند برداشت خرما کمک می‌کنند» (سالزمن، ۱۳۶۲). کسانی که شرایط و امکانات مناسب برای کار در دهکده را ندارند برای کارگری به جوامع بزرگ‌تر می‌روند و علاوه بر کسب اموال ممکن است تخصص جدیدی را آموخته و در بازگشت به دهکده خود این تخصص جدید را برای مردم خود به ارمغان آورند که برای ایشان علاوه بر تمکن مالی، جایگاه اجتماعی ویژه‌ای را به دنبال خواهد داشت. یکی از نکات جالب دربارهٔ معیشت این جوامع امر راهزنی بود که مدت‌هاست در این جوامع دیده نمی‌شود و به نظر می‌رسد در گذشته انجام می‌شد. در این جوامع در فصول خشک سال که کشاورزی و دامداری دچار رکود می‌شد، مردان دهکده به‌ناچار برای تأمین مایحتاج خود به روستاهای پایین‌دست و یا کاروان‌های تجاری و مسافری دست‌برد می‌زدند. تخصصی شدن به‌خوبی در بین جوامع پیش‌رو به چشم می‌خورد و برخی از مشاغل جایگاه اجتماعی ویژه‌ای دارند. این مشاغل مربوط به قشر خاصی از جامعه است که معماری و شکارگری از این دسته‌اند (Diamond, 1999).

گوجه، کدو، خشخاش، پیاز و غیره می‌کنند. در الگوی دامداری با پرورش بز که حیوان کاربردی در منطقه سفیدکوه است، شیر، ماست، روغن، کشک و قره‌قوروت تولید می‌کنند. برخی از اقلام دامی، و تولیدات کشاورزی در منطقه سفیدکوه مبادله می‌شوند و این اقلام به مناطق بیرون از سفیدکوه نیز صادر می‌شوند. اقلامی همچون عسل که نتیجهٔ انجام الگوی گردآوری در فصول خاص است در کنار صنایع دستی، توسط دلالان خریداری و به کویت و امارات صادر می‌شود. الگوی تجارت و مبادلات درون‌منطقه‌ای کالا یکی از مهم‌ترین الگوهایی است که علاوه بر داشتن رابطهٔ مستقیم اقتصادی با سایر الگوهای معیشتی، بر انتشار و جابه‌جایی فرهنگی نیز مؤثر است. با این کار، جوامع بومی جهت عرضه کالای خود با فرهنگ‌های مختلف در تماس هستند و تبادل فرهنگ و تکنولوژی‌های جدید بین آن‌ها رخ می‌دهد. الگوی معیشت برمبنای کارگری یکی دیگر از الگوهایی است که باعث ورود فرهنگ‌های جدید در میان دهکده‌ها می‌شود. سالزمن در این خصوص می‌نویسد: «جوامع مزبور در ماه‌های خشک‌سالی هم‌زمان با برداشت خرما به باغات خرماي مناطق پایین‌دست



تصویر ۴. تصاویری از شیوهٔ معیشت در سفیدکوه، (A) کشاورزی (برداشت صیفی‌جات)، (B) باغداری (نخلستان)، (C) دامداری (گله بز) (D) شکارگری (شکارچی همراه با اسلحه و ادوات شکار) (نگارندگان، ۲۱۳۹۸)

استان هرمزگان و کرمان بررسی شد که این محدودهٔ هفتاد هکتاری به دو بخش تقسیم شد. منطقهٔ اول که در یال جنوبی رشته‌کوه سفیدکوه واقع است، از جنوب‌شرقی این یال شروع شده و به نواحی جنوب‌غربی این رشته‌کوه در بخش بلوچستان

شواهد و یافته‌های باستانی

در نخستین فصل بررسی منطقه موردبخت، محدوده‌ای بالغ بر هفتاد کیلومتر مربع از قسمت شرقی و یال مرکزی و جنوبی کوهستان ناهموار سفیدکوه تا امتداد رشته‌کوه سفیدکوه در مرز

۲۲- عکس D از مجموعه آقای جواد قارایی برداشته شده است.

هم‌جوار از انباشت لاشه سنگ‌ها و در نمونه پیش‌ازتاریخی به‌طور مدور و منظم بدون مصالح در هر دو مورد ساخته شده است. نمونه گورهای شناسایی‌شده در این فصل از بررسی طبق مطالعات گاهنگاری نسبی به دو طیف زمانی پیش‌ازتاریخ و تاریخی نسبت داده شده است؛ گورهای پیش‌ازتاریخی منطقه، باتوجهبه مقایسه با محوطه‌هایی همچون محوطه مرده‌سنگ در پاکستان، امانار و هفیت در عمان، و محوطه توتان در ایران (هاشمی زرج‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۳) تاریخ‌گذاری نسبی شده‌اند. گورهای تاریخی برحسب شکل و فرم آن متشکل از طیف‌های متنوعی از جمله بیضی، مدور و چهارگوش است که با محوطه‌هایی مثل دم‌بکوه، توتان، چیدگی و چشنگر (هاشمی زرج‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۳) قابل مقایسه است (تصویر ۵). منطقه بنت که به حوزه مطالعاتی سفیدکوه بسیار نزدیک است در سال ۱۳۸۸ و ۱۳۸۱ بررسی شد و در این منطقه نیز چنین نتایج و تاریخ‌گذاری‌هایی درمورد گورها حاصل شد (شیرازی، ۱۳۸۱؛ ۱۳۹۸). براساس شواهد به‌دست‌آمده و گاهنگاری انجام‌شده در محوطه‌های حوزه عمان و پاکستان، سابقه تدفین در این مناطق به هزاره دوم و سوم پیش از میلاد بازمی‌گردد (هاشمی زرج‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۳). پژوهشگرانی که روی گورهای موجود در ایران مطالعات قابل‌توجهی انجام داده‌اند، احتمال می‌دهند گورهای موجود در بلوچستان ایران، تداوم سنت تدفین از مناطق هم‌جوار بوده که تا دوران اشکانی رواج داشته است (هاشمی زرج‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۳)؛ اما تاکنون کاوش هدفمند با انجام تاریخ‌گذاری در منطقه انجام نشده است. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، سفال‌های حاصل از بررسی به سه دوره فرهنگی تعلق دارد و عموماً زمینه قهوه‌ای روشن (مایل به نارنجی) یا قرمز مایل به نارنجی (آجری) با آمیزه کانی درشت است که پوشش گلی غلیظ دارد. فرم ظروف از نوع کاسه و بشقاب است با پخت کامل که بیش از نیمی را ظروف نخودی روشن و بدون پوشش و چرخ‌ساز هستند. در این بررسی، یک نمونه لبه سفال خاکستری نیز از محوطه سررود به دست آمد که جزو نمونه‌های قابل تأمل است. نیمی از سفال‌ها دارای نقش هستند که شامل نقش خطی به رنگ قهوه‌ای مایل به قرمز و نقش افزوده با تزئینات کنده می‌شود. از مهم‌ترین نمونه‌های سفالی به‌دست‌آمده در این فصل، سفال لوندو است.

و قسمت‌های شمالی رشته‌کوه سفیدکوه در منطقه مکران (بلوچستان) منتهی می‌شود. منطقه دوم نیز مربعی کوچک است که در آخرین نقطه رشته‌کوه سفیدکوه و در شرقی‌ترین قسمت قرار دارد و بر سر راه فوج به بنت قرار گرفته است. در بخش اول، یازده محوطه باستانی شناسایی شد که در نزدیکی استقرارهای فعلی در منطقه بودند. این محوطه‌های باستانی به‌طور کلی به دو دسته شامل استقرارهای تک‌دوره‌ای و گورستان تقسیم می‌شوند. محوطه‌های باستانی شناسایی‌شده در این منطقه عموماً تک‌دوره‌ای هستند. میزان یافته‌های سطحی هر محوطه بسیار محدود است، به‌طوری‌که تنها در ۶ محوطه باستانی از مجموع ۱۱ محوطه، قطعات سفالی با پراکنش بسیار کم مشاهده شد.

باتوجهبه مطالعات گاهنگاری نسبی انجام‌شده، از مجموع ۳۰ قطعه سفال به‌دست‌آمده در منطقه، احتمالاً ۴ عدد از سفال‌ها مشابه نمونه‌هایی متعلق به دوره پیش‌ازتاریخ (مس‌وسنگ)، ۲۴ عدد از آن‌ها متعلق به دوره تاریخی است که شامل گونه سفال لوندو^{۲۳} و سفال‌های پارتی (تاریخی) و ۲ عدد از آن‌ها نیز به دوره اسلامی (معاصر) تعلق دارد. علاوه بر سفال، در سطح محوطه بارگدن دم یک قطعه النگوی شیشه‌ای با تزئین طنابی و چندرنگ به رنگ‌های سبز، نارنجی و زرد مشاهده شد که طبق مقایسه انجام‌شده، احتمالاً متعلق به قرن ۸ ه.ق است که مشابه محوطه‌هایی همچون زلف‌آباد، بمپور، کلات جمشیدی، چاه حسینی و قصرالقدیم است. در بخش دوم در محوطه سررود نیز یک نمونه النگوی شیشه مدور مفتولی یافت شد. این النگو با نوارهای مرصع چندرنگ به رنگ‌های سیاه، سبز و نارنجی احتمالاً متعلق به قرن ۸-۱۰ ه.ق است که طبق مقایسه‌ها می‌توان آن را مشابه نمونه محوطه الحشریمن دانست. دومین دسته از یافته‌ها شواهد معماری را شامل می‌شود که به‌دلیل پیروی از الگوی مدور و بیضی نمونه‌های بسیار مناسبی برای مقایسه با امروز به شمار می‌آید. سومین دسته از شواهدی که در منطقه شناسایی شده است گور و گورستان‌ها هستند. حدود ۱۰ درصد از گورهای شناسایی‌شده در فصل اول را گورهای مدور پیش‌ازتاریخ (عصر آهن؟)، ۵۰ درصد از گورها را گورهای دوره تاریخی و ۴۰ درصد باقی‌مانده را گورهای اسلامی تشکیل می‌دادند. نمونه‌های تاریخی شناسایی‌شده در منطقه سفیدکوه همانند سایر نمونه‌های دیگر در بلوچستان و مناطق

^{۲۳} -Londo: این گونه سفالی جزو دومین گروه سفال شاخص و مهم در جنوب و جنوب‌شرقی ایران است و متعلق به سده دوم و سوم ق.م است (De Cardi, 1983).

همچون تپه‌یچی کرمان، قلعه گیو، قلعه نهبندان، کلات شاپوری، تپه گبر در محدوده خراسان جنوبی، تقریباً در تمامی نواحی غربی بلوچستان پاکستان، مناطقی همچون جهالوان، خاران و ساراوان و لاس‌بلا در محدوده بلوچستان ایران، دامب‌کوه و هزارمردی در منطقه بمپور، همین‌طور در حوزه جازموریان و در غربی‌ترین نواحی پراکنش تا محوطه کفتی در فارس پراکنده است.

سفال لوندو جزو دومین گروه عمده سفالی در حاشیه خلیج فارس، دریای عمان و مکران محسوب می‌شود؛ به‌علاوه اینکه جزو گونه‌های سفالی شاخص در منطقه شرق ایران نیز هست (فرجامی، ۱۳۹۲). سفال لوندو در بیش از ۳۰ محوطه باستانی توسط سر اورل اشتین^{۲۴} شناسایی شده و در هند، پاکستان، افغانستان و ایران پراکنده است (فرجامی، ۱۳۹۲). این گونه سفالی در مناطقی



تصویر ۵. A) نمونه‌های بقایای معماری، B) معماری مسکونی و کاربردی، C) احتمالاً معماری مذهبی یا مسکونی، D) معماری گور خربشته‌ای دوره تاریخی (نگارندگان، ۱۳۹۸)

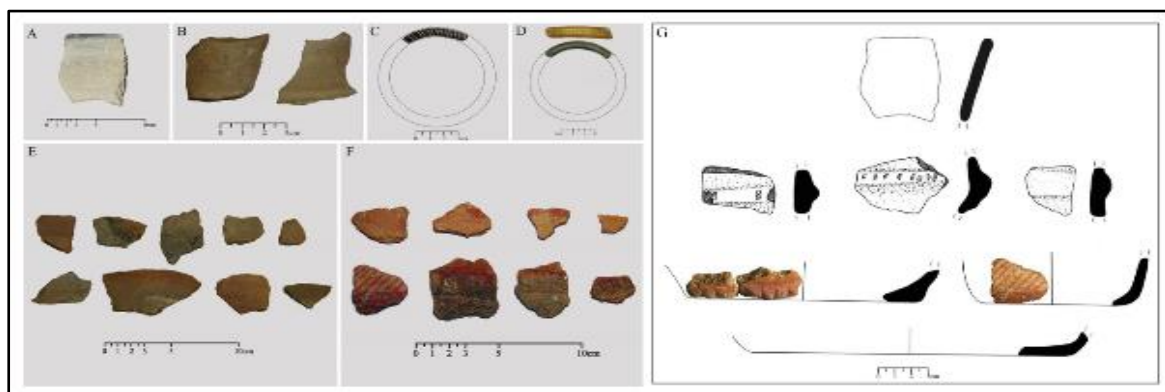
صیقلی زبر است. نقش‌مایه‌ها شامل حلقه، خطوط دالبری موج عمودی، مثلث‌ها و نقوش حیوانات به‌ویژه اسب و بز کوهی هستند (هرینک، ۱۳۷۶). سفال لوندو از نظر طرح در برخی از نقوش مشابهت خاصی با نقش سفال‌های سیلک دارد (فرجامی، ۱۳۹۲). فرم ظروف در این گونه سفالی به صورت پیاله‌ها، کاسه‌های قایقی‌شکل (زاویه دار)، کوزه‌های با گردن بلند و شانه‌های مایل، کاسه‌ها و ساغر‌ها است که در بیشتر مجموعه سفال‌های سطحی به دست آمده‌اند. سه نوع کاسه از این گونه شناسایی شده که عمومی‌ترین آن‌ها، ظرفی با لبه شعله‌ای و شانه‌های زاویه‌دار و گونه دیگر با شانه گرد، بدنه کروی، کاسه دهانه‌باز با لبه باریک ساده است (فرجامی، ۱۳۹۲) و ساغر‌ها در دو اندازه کوچک و بزرگ با لبه‌های

در ساخت این نوع سفال دقت کمی به کار رفته است و به‌دلیل آمیزه درشتی که در خمیره سفال وجود دارد بافت سفال خشن است. خمیره آن از پخت کاملی برخوردار است ولی در مواردی جوهر آن نپخته توصیف شده است و معمولاً طیف رنگی قرمز، آجری و صورتی دارند که غالباً دست‌ساز ساخته شده‌اند (فرجامی، ۱۳۹۲). تزئینات در این گونه سفالی معمولاً شامل نقوش کنده، افزوده و نقاشی به رنگ قهوه‌ای تیره، سیاه، قرمز، کروم یا آجری بر روی یک پوشش گلی قرمز و قهوه‌ای روشن یا کرم است (فرجامی، ۱۳۹۲). معمولاً ظروف برحسب نوع کاربری از درون یا بیرون با پوشش لعاب غلیظ گلی و در مواردی لعابی رقیق پوشیده شده‌اند (واحدی و سمیعی، ۱۳۹۸). سفال لوندو اغلب دارای

²⁴ -Sir Aurel Shtain

پابرجا است (مهرآفرین و همکاران، ۱۳۹۱، ص. ۲۱). این موضوع اهمیت انجام آزمایش‌های گاهنگاری مطلق را دوچندان می‌کند. سفالگران امروزی منطقه نیز با پیروی از اجداد پیش‌ازتاریخی خود از چرخ‌های بطنی و یا به صورت دست‌ساز به ساخت سفال به صورت کاملاً ساده و ابتدایی مبادرت می‌ورزند. طبق مطالعات مردم‌شناسی، سفالگران معمولاً از جوامع کشاورز روستایی بوده و محصولات خود را به صورت مبادله پایاپای در درون روستا یا به صورت دست‌فروشی در بازارهای مناطق پرجمعیت عرضه می‌کنند. روستاهایی همچون هلونچکان^{۲۶}، کلک^{۲۷}، فنوج^{۲۸}، جنگل^{۲۹}، مناطق نوار ساحلی خلیج فارس و دریای عمان، کوه‌میتگ^{۳۰} و در آخر کلپورگان جزو بارزترین نمونه‌های سفالگری متداوم در منطقه جنوب‌شرقی ایران هستند (واحدی و سمیعی، ۱۳۹۸). سنت‌های سفالگری نام‌برده شده از نظر نقش و طرح شباهت‌های ویژه‌ای با سفال‌های فرهنگ‌های همجوار از جمله بمپور، چاه‌حسینی، شمس آباد^۳ و ۲، ابلیس، یحیی، امری و جعفرآباد دارد. این سفال‌های امروزی، در سبک تولید، فنون ساخت، رفتار سفالگری و سبک انتقال و آموزش مشابه دوران نوسنگی و در شکل ظروف مشابه دوران مس و سنگ و یا عصر مفرغ است (تصویر ۶). با توجه به انقراض این نوع سنت در بیشتر مناطق ایران، بلوچستان ویتروینی از این نوع فرهنگ است که نشان‌دهنده تداوم شیوه‌ای خاص از سفالگری در بیش از ۶ هزار سال است (Vahedi & Samiei, 2019).

باریک و اندکی موج و گاهی زاویه‌دار یا زنگی‌شکل، با یک پایه دیسکی یا تخت بودند. اولین بار، دیکاردی^{۲۵} این گونه سفال را شناسایی کرد و آن را متعلق به اواخر هزاره دوم ق.م می‌دانست اما بعدها این تاریخ‌گذاری بازنگری و اصلاح شد و مابین سده سوم و دوم پیش از میلاد قرار گرفت (هرینک، ۱۳۷۶). براساس نمونه‌های تاریخ‌گذاری کربن ۱۴ که از منطقه بلوچستان پاکستان و از کاوش‌های آجاب‌دام‌بوتی نزدیک نال در جهاوالان به دست آمده است تاریخ‌گذاری ۲۱۱۱±۳۶ ق.م ارائه داده است در حالی که دیگر نمونه‌های تاریخ‌گذاری شده و به دست آمده از بودی‌بوتی در لاس‌بلا تاریخی در حدود ۲۱۷۰±۲۸ ق.م را به دست می‌دهند (فرجامی، ۱۳۹۲). دیکاردی در ابتدا تاریخ این گونه سفال را متعلق به اواخر هزاره دوم پیش از میلاد می‌دانست ولی بعدها این تاریخ‌گذاری را بازنگری و اصلاح کرد و آن را بین سده سوم و دوم ق.م قرار داد (فرجامی، ۱۳۹۲). براساس نظر دیکاردی و کارلوفسکی این نوع سفال هم‌دوره سفال پارتی تلقی می‌شود و محوطه‌هایی نیز که سفال لوندو از آن‌ها به دست آمده‌اند به عنوان محوطه‌های شاخص دوره تاریخی معرفی می‌شوند (برای مطالعه بیشتر رک. De Cardi, 1983). با توجه به غنای فرهنگی بالای منطقه مکران و تداوم آن حتی تا به امروز، این درست است که ما گمان کنیم سفال‌های منسوب به پیش‌ازتاریخ در منطقه سفیدکوه جزو تولیدات بومی متأخر بودند اما به طور کلی امروزه در نواحی ای از بلوچستان سبک سفالگری مشابه دوران پیش‌ازتاریخ هنوز



تصویر ۶. اشیاء حاصل از بررسی؛ (A) سفال متعلق به عصر آهن (؟)، (B) سفال اسلامی، (C) و (D) الگوهای شیشه‌ای، (E) سفال‌های پیش‌ازتاریخی (؟)،

(F) سفال‌های تاریخی، (G) طرح سفال‌های شاخص (نگارندگان، ۱۳۹۸)

بحث و نتیجه‌گیری

28 -Fanuj

29 -Jangal

30 -Kohmitag

25 -De Cardi Beatrice

26 -Holonchokan

27 -Kalok

می‌شود. دهکده‌ها در تراس رودخانه‌های فصلی و یا سطوح کم‌عرض و مسطح میان کوهی ساخته می‌شوند که برخلاف زمین سیمای کوهستانی و ناهموار منطقه سفیدکوه، مسطح هستند و می‌توان در آن، خانه بنا کرد. سکونت در کنار رودخانه‌ها تضمین مناسبی برای استفاده از آب دائمی است که علاوه بر آب خوراکی جوامع انسانی، آب لازم برای مصرف دام و پرورش محصولات باغی را نیز فراهم می‌کند. روابط سیاسی بین دهکده‌ها بسیار مسالمت‌آمیز است و در ظاهر می‌تواند به دلیل روابط خویشاوندی بین اهالی دهکده‌ها باشد اما به نظر می‌رسد علاوه بر رابطه خویشاوندی، عدم تداخل قلمروها و منابع مشترک نیز در عدم نزاع بین دهکده‌ها مؤثر است. از طرفی، نیاز اعضای دهکده‌ها به هم و تخصص و محصولات یکدیگر باعث شده از منازعات کاسته شود. عموماً دهکده‌ها عمری در حدود نیم‌قرن دارند و در صورت حضور منابع حیاتی به‌طور مداوم در محل سکونت خواهند داشت و در غیر این صورت به مکانی مناسب‌تر نقل مکان می‌کنند. الگوی کوچ در این منطقه، برخلاف زاگرس براساس شرایط فصلی نیست و کوچ در زمان نیاز و عدم وجود منابع غذایی رخ می‌دهد. در میان این جوامع سه نوع جابه‌جایی انجام می‌گیرد؛ حرکت نوع اول در محیط پیرامونی و در منطقه صورت می‌گیرد که یا به دلیل جابه‌جایی دهکده است و یا به دلیل ارتباطات کاری و قومی با دهکده‌های همجوار. جابه‌جایی نوع دوم به دلیل شغلی و یا تهیه مایحتاج خانواده صورت می‌گیرد و شخص یا اشخاص به شهرهای بزرگ نزدیک عزیمت می‌کنند. جابه‌جایی نوع سوم به دلیل مسائل شغلی است که ممکن است بعضی از افراد برای مدتی به شهرهای دوردست همچون پایتخت و یا کشورهای همجوار مهاجرت کنند که به دلیل وابستگی‌های خانوادگی بسیار کم اتفاق می‌افتد. نوع و دلیل این جابه‌جایی‌ها هرچه که باشد موجب انتقال فرهنگ‌های مناطق دیگر به این جوامع می‌شود و روستاهایی که به مراکز شهری نزدیک و مورد رجوع دهکده‌های کوچک اطراف نیز هستند نقش کلیدی در این امر دارند. دهکده‌ای همچون بارگدن که به دلیل شرایط جغرافیایی خاص به‌عنوان دروازه ورود فرهنگ‌های نوین قابل بررسی است، یادآور نقش محوطه‌هایی همچون تپه یحتی و تل ملیان در دوران آغاز شهرنشینی است. یکی از سوالات متداول در باستان‌شناسی آغاز شهرنشینی و دوره گذار از عصر مفرغ به عصر آهن، دلیل و نحوه پراکندگی

پژوهش حاضر روی جوامع نیمه‌یکجانشین با ساختار سیاسی ساده و نیمه‌پیچیده و با الگوی متنوع و گسترده معیشتی نظیر دامداری، کشاورزی، باغداری، ماهیگیری، تولیدگری، گردآوری، تجارت، کارگری و شکارگری انجام شد که از الگوی معماری مدور، بیضی و با درصد ناچیزی راست‌گوشه بهره‌مند هستند. این جوامع در بسیاری موارد مستقل هستند و تخصصی‌شدن مشاغل نیز به صورت ملموس در بعضی از کلنی‌ها مشهود است. جوامع یادشده، باقی‌مانده فرهنگ غنی و اصیل است که از دیرباز با حفظ سنت و فرهنگ پیشینیان خود و همین‌طور به دلیل قرارگیری در نقاط محصور و غیر قابل دسترس، همچنان به حیات خود ادامه داده و از ادغام با فرهنگ‌های مدرن و شهرهای کلان برحذر بوده است. باتوجه به یافته‌های سفالی و شیشه‌ای کشف‌شده از محوطه‌های باستانی منطقه می‌توان آنچه امروزه به صورت تخصصی انجام می‌گیرد را به عصر مفرغ و مس و سنگ منطقه بسط داد و معماری این جوامع نیز با دوره نوسنگی قابل‌مقایسه است. از مهم‌ترین گونه‌های معماری روستایی در منطقه سفیدکوه مکران می‌توان از معماری مدور دازی یاد کرد که فراوانی آن بسیار بیشتر از انواع دیگر است و مشخصاً بسیار تجدیدپذیر است. تعداد سازه‌های تجدیدنپذیر سنگی به دلیل اینکه مستقیماً با جایگاه اجتماعی صاحب‌خانه در ارتباط است، کمتر از سازه‌های تجدیدپذیر بوده که یافته‌های باستان‌شناختی نیز صحت آن را تأیید می‌کنند و یکی از دلایل عدم کشف آسان دهکده‌های باستانی در بررسی‌های باستان‌شناختی منطقه مکران نیز علاوه بر این موضوع، عدم وجود نهشته‌های باستانی به دلیل نوع معماری مورداستفاده در منطقه و نیز به هم‌ریختگی، تنها شواهد برجای‌مانده نظیر کمر بند سنگی دور لوگ‌های دازی در اثر شرایط محیطی و انسانی است. جوامع ساکن سفیدکوه مکران از الگوی سیاسی برپایه نظام خان‌سالار ابتدایی و نیز جامعه مساوات‌طلب در طوایف خود بهره‌مند هستند و سرپرستی دهکده‌ها با خان و یا به روایتی کدخدای دهکده است که از عصر مفرغ تاکنون این ساختار اجتماعی حفظ شده است. به‌طور کلی نظام سیاسی در این جوامع به شکل خطی است و افراد یک دهکده همگی در امور دهکده با هم همکاری می‌کنند. محوطه‌های کشف‌شده حاصل از این بررسی از الگویی تبعیت می‌کنند که امروزه نیز دقیقاً با همان کیفیت در برپایی دهکده‌های منطقه دیده

بلوچستان؛ مطالعه موردی دهکده‌های بخش بنت، نیکشهر) که در گروه باستان‌شناسی دانشگاه شهرکرد تصویب شده و طی طرح پژوهشی با حمایت مالی دانشگاه مذکور با مجوز پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور با عنوان (بررسی و شناسایی باستان‌شناسی سکونتگاه‌های منطقه سفیدکوه مکران) در تاریخ ۱۳۹۸/۰۶/۱۵ با شماره مجوز ۹۸۱۰۱۳۸۸ گرفته، نگارش شده است.

تعارض منافع

بین نویسندگان هیچ‌گونه تعارضی در منافع وجود ندارد

پی‌نوشت‌ها

* ۱- این مقاله همسو با پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد نویسنده مسئول (حسین واحدی) با عنوان (رویکردی باستان‌مردم‌شناختی بر سکونتگاه‌های ارتفاعات مرکزی بلوچستان؛ مطالعه موردی دهکده‌های بخش بنت، نیکشهر) نگارش شده است. پژوهش در گروه باستان‌شناسی دانشگاه شهرکرد تصویب شده و طی طرح پژوهشی با حمایت مالی دانشگاه شهرکرد با مجوز پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور با عنوان (بررسی و شناسایی باستان‌شناسی سکونتگاه‌های منطقه سفیدکوه مکران) در تاریخ ۱۳۹۸/۰۶/۱۵ با شماره مجوز ۹۸۱۰۱۳۸۸ گرفت.

* ۲- شبکه مشبک: یا چهارچوب متشکل از تیرک‌های دازی یا چوبی که بدنه یا تمام بنا را تشکیل می‌دهد.

* ۳- لایه پوشاننده مابین: لایه‌ای که روی تیرک‌ها قرار می‌گیرد و درواقع نوعی عایق گرما و سرما به حساب می‌آید. این عایق در گذشته همان دازه‌های متراکم بوده و در ساخت نوع معماری بیضی، این عارضه لحاظ می‌شود.

* ۴- تویی‌ها: هم از نظر شکل پلان و هم از نظر فرم و هم از نظر ساخت و سازه با دیگر انواع کپرها متفاوت است. تویی از بادوام‌ترین نوع کپرها است و نام‌های دیگری همچون لوگ، تیت، کپر نیز دارد. البته این نوع معماری در منطقه مورد مطالعه این طرح با نام لوگ‌دازی (معماری مدور دازی) یاد می‌شود.

* ۵- لادی‌ها: یکی دیگر از معماری‌های موردبهربرداری مردمان بلوچ است، کاربرد مسکونی به‌طور مداوم داشته و به شکل یک سوله بیضی ساخته می‌شود، نسبت به انواع دیگر معماری بومی بلوچ و کپرها طول عمر بالایی (بین ۱۲ تا ۱۵ سال) دارد و دارای تزئینات زیبا و خاصی بوده است.

یافته‌های خاصی است که در گستره‌ای وسیع در این دوران دیده می‌شود. تجارت راه دور شاید پاسخ این سؤال باشد اما جوامع روستایی کوچک بسته که در مسیر تجارت نیستند چگونه به این تکنولوژی‌های به‌روز دست می‌یابند؟ پاسخ شاید در الگوی معیشت برمبنای کارگری نهفته باشد که تأثیر آن در جوامع سفیدکوه بلوچستان به‌وضوح قابل‌مشاهده است و می‌توان آن را به گذشته نیز بسط داد. این نوع جوامع انسانی از دیرباز در منطقه مکران یا به‌طور کلی‌تر در حوزه جنوب و جنوب‌شرق حضور داشته‌اند اما به مرور زمان با گسترش جوامع مدرن‌تر و حضور تکنولوژی‌های روزافزون، این جوامع در اجتماعات و فرهنگ‌های بزرگ‌تر ادغام شده و امروزه درصد کمی از این جوامع در منطقه باقی مانده است. در سال‌های اخیر با هدف کمک به ساکنان روستاهای محروم، آب لوله‌کشی و جاده برای بسیاری از این دهکده‌ها به بهره‌برداری رسیده است که با توجه به یکجانشینی دائم و ارتباط سریع و آسان با جوامع شهری موجب از بین رفتن ساختار اجتماعی و فرهنگی تنها جوامع باقی‌مانده از دوران پیش از تاریخ در ایران شده است.

سپاسگزاری

بخشی از این پژوهش مرحون حمایت مالی و معنوی دانشگاه شهرکرد می‌باشد، از تمامی عزیزانی که در دانشگاه مذکور همچون جناب آقای دکتر محمود حیدریان که به پیشبرد این پژوهش کمک کرده‌اند کمال تشکر را داریم. از آقایان دکتر بهروز عمرانی (رئیس پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری)، دکتر روح الله شیرازی (رئیس پژوهشگاه باستان‌شناسی) و دکتر سیامک سرلک به جهت حمایت‌های بی‌دریغ علمی و معنوی بسیار سپاسگزاریم و از جناب آقای اصغر واحدی به عنوان حامی مالی فصل اول طرح مذکور تشکر و قدردانی می‌کنیم و همچنین از آقایان دکتر محمود بلوچی و جواد قارایی تشکر و قدردانی می‌کنیم، صمیمانه از تمامی دست‌اندرکاران، عزیزان و همکارانی که در حد توان در این طرح همکاری داشته‌اند، سپاسگزاریم.

منابع مالی

این مقاله همسو با پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد نویسنده مسئول (حسین واحدی) تحت عنوان (رویکردی باستان‌مردم‌شناختی بر سکونتگاه‌های ارتفاعات مرکزی

است و کاربری آن متغیر است و در معماری مذهبی در دو دهکده در منطقه سفیدکوه دیده شد.

*۶- کاپاز: برای استفاده از سایه در محیط باز بوده و دارای پلان مستطیل‌شکل یا نامنظم است و سقفی صاف و مسطح دارد که با شاخه‌های نخل یا درختان کهور و داز و گنار پوشیده شده

References

David. N. & Kramer, C. (2001). *Ethnoarcheology in Action*. Cambridge: Cambridge University Press.

De Cardi. B. (1983). *Archaeological surveys in Balochistan 1948 and 1957*. By the Institute of Archaeology. Occasional Publication, 8, 31-4.

Diamond. J. M. (1999). *Guns, Germs, and Steel: The Fates of Human Societies*. New York: Norton & Company.

Drewett, Peter. (1999). *Field Archaeology an Introduction*. Oxford: ULC press.

Spooner. B. (1974). *Nomadism in Baluchistan*. In *Pastoralists and Nomads in South*

Asia, edited by L.S. Leshnik and G.D. Sontheimer. Wiesbaden: Harrassowitz. pp.171-182.

Trigger, B. G. (1989). *History of Archaeology Thought*. Cambridge: Cambridge University Press.

Vahedi, H., Samiei, S. (2019). *Balochistan pottery cultures, a showcase of prehistoric societies (Case examples: Kalok, Fanouj, Holonchokan)*. Paper presented at Reinventing Cultural Heritage. University of Tehran and the School for Advanced Studies in the Social Sciences, Iran-Tehran; 20-23 October 2019

شیرازی، روح‌الله؛ مرادی، حسین؛ سلطانی، مجتبی. (۱۳۹۱). *روستا‌های ماهیگیری متاخر در کرانه‌های دریای مکران شواهدی برای بازسازی روستاهای ماهیگیری باستانی*. اولین همایش ملی توسعه سواحل مکران و اقتدار دریایی جمهوری اسلامی ایران؛ ۲۸ تا ۳۰ بهمن ۱۳۹۱؛ تهران.

شیرازی، روح‌الله. (۱۳۸۱). *طرح بررسی باستان‌شناسی نیک‌شهر*. تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشرنشده).

شیرازی، روح‌الله. (۱۳۸۸). *گزارش مقدماتی بررسی شهرستان نیک‌شهر*. زاهدان: آرشیو اسناد سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان سیستان و بلوچستان (منتشرنشده).

طلایی، حسن. (۱۳۹۴). *باستان‌شناسی پیش‌ازتاریخ بین‌النهرین*. تهران: سمت.

فاضلی‌نشلی، حسن. (۱۳۸۴). *جزوه درسی تاریخچه باستان‌شناسی*. تهران: دانشگاه تهران (منتشرنشده).

فرجامی، محمد. (۱۳۹۲). *گسترش سفال لوندو در محدوده خراسان جنوبی*. همایش ملی باستان‌شناسی ایران دستاوردها، فرصت‌ها، آسیب‌ها، دانشکده هنر دانشگاه بیرجند، روز ۲۵، ماه اردیبهشت، ۱۳۹۲.

مرادی، حسین. (۱۳۸۳). *گونه‌شناسی استقرارهای عصر مفرغ بلوچستان در حاشیه رودخانه‌های ماشکید، سرباز و بمپور*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه باستان‌شناسی، دانشگاه زاهدان (منتشرنشده).

جانب‌اللهی، محمدسعید. (۱۳۷۵). *مساکن سنتی بلوچ*. *تحقیقات جغرافیایی*، ۴۳، ۱۱۸-۹۲.

جانب‌اللهی، محمدسعید. (۱۳۷۵). *نظام‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در طوایف بلوچ سرحد (نمونه: طایفه ریگی)*. *تحقیقات جغرافیایی*، ۴۱، ۵۹-۸۲.

جانب‌اللهی، محمدسعید. (۱۳۷۷). *ستاره‌شناسی و گاهشماری عشایر بلوچ و طوایف سیستان*. *تحقیقات جغرافیایی*، ۴۹ و ۵۰، ۱۰۰-۱۱۷.

سالزمن، فیلیپ. (۱۳۶۲). *کوچ متفاوت دو طایفه بلوچ*. ایلات و عشایر. نیما همای (مترجم). تهران: آگاه.

سلطانی، مجتبی. (۱۳۸۹). *تحلیل شمایل‌نگاری و گاهنگاری سنگ‌نگاره‌های قصرقند نیک‌شهر*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه باستان‌شناسی، دانشگاه زاهدان (منتشرنشده).

سمیعی، سجاد و محمد قمری فتیده. (۱۳۹۶). *نگاهی به باستان‌شناسی تجربی و اهمیت توجه به آن در مطالعات باستان‌شناسی*. مجموعه مقالات سومین همایش ملی باستان‌شناسی ایران. تهران. ص ۷۹۵-۸۰۴.

سوزان فاستر مک کارتر. (۱۳۹۰). *نوسنگی*. حجت‌داری و جواد حسین زاده (مترجمین). جلد ۱. تهران: سمیرا.

سید سجادی، سید منصور. (۱۳۸۳). *آغاز شهرنشینی در نیمه شرقی فلات ایران*. *نامه انسان‌شناسی*، ۶، ۶۳-۹۶.

- مرتضوی، مهدی. (۱۳۹۱). بومی‌سازی باستان‌شناسی و هنرهای سنتی: مطالعه موردی استان سیستان و بلوچستان. *پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*، ۲، ۳۷-۴۶.
- مهرآفرین، رضا؛ علیزاده، فاطمه؛ شیرازی روح‌الله. (۱۳۹۱). سفال مکران در دوره اشکانی و همگونی آن با مناطق همجوار. *نامه باستان‌شناسی*، ۲(۳)، ۷-۲۴.
- واحدی، حسین و سجاد سمیعی. (۱۳۹۸). *فرهنگ‌های سفالگری گلک، فنوج و هلونچکان یادآور سفالگری دوره نوسنگی (معرفی قوم‌باستان‌شناسانه فرهنگ‌های سفالگری بلوچستان)*. کتاب چکیده مقالات هفتمین همایش بین‌المللی باستان‌شناسان جوان: ایران و سرزمین‌های همجوار. تهران: دانشگاه تهران.
- واحدی، حسین. (۱۳۹۸). *دهکده‌های امروزی با الگوهایی از مردمان نوسنگی؛ مطالعه موردی دهکده‌های جنوب‌شرق ایران*. چکیده مقالات هفتمین همایش بین‌المللی باستان‌شناسان جوان: ایران و سرزمین‌های همجوار. تهران: دانشگاه تهران.
- وحدتی نسب، حامد؛ آریامنش، شاهین. (۱۳۹۴). *باستان‌شناسی پارینه سنگی ایران*. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
- هاشمی زرج‌آبادی، حسن؛ شیرازی روح‌الله؛ فرزین، سامان؛ ظهوریان، مریم. (۱۳۹۳). *نویافته‌هایی از تدفین‌های سنگی در مکران ایران (شهرستان‌های نیکشهر و چابهار)*. *پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*، ۴(۷)، ۹۵-۱۱۲.
- هرینک، ارنی. (۱۳۷۶). *سفال پارسی*. ترجمه حمیده چوپک. تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی.